

Tolerance Against Women  
June, 2000 Tehran



نخستین کارگاه آموزشی خشونت علیه زنان با بیان اهمیت موضوع خشونت علیه زنان و تشریح اهداف از سوی دکتر تخشید، رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران آغاز به کار کرد.

سپس باستلی نماینده‌ی مقیم برنامه عمران ملل متحد در تهران به نقل از کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد گفت: «خشونت علیه زنان شاید شرم‌آورترین مورد نقض حقوق بشر است. هیچ‌گونه مرز جغرافیایی، فرهنگی و یا مادی و مالی را نمی‌شناسد. تا زمانی که این خشونت ادامه دارد، ما نمی‌توانیم ادعای پیشرفت واقعی در توسعه و اصلاح داشته باشیم. وی با بیان این مطلب به اقدامات مهمی که در سطح بین‌المللی از زمان برگزاری کنفرانس پکن در پنج سال قبل برای مطرح کردن خشونت علیه زنان صورت گرفته است اشاره کرد. از جمله:

تصویب راهبردهای الگو و اقدامات عملی برای از میان برداشتن خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۷ توسط مجمع عمومی، تصویب اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ که مطابق آن خشونت‌های جنسیتی انجام می‌شود، یک جرم بین‌المللی تلقی می‌شود، تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا که خشونت براساس جنسیت را به عنوان یک جنایت جنگی محسوب کردند، تصویب پیش‌نویس پروتکل اختیاری الحاقی به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در شش اکتبر ۱۹۹۹ و تهیه کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملیتی برای مقابله با سوداگری با استفاده از انسان‌ها به خصوص زنان و دختران در آینده‌ی نزدیک و... باستلی در ادامه افزود: «قانون اساسی ایران بر مقام زنان و مسئولیت دولت بر حفاظت از حقوق آن‌ها تأکید دارد و فصل هشتم کتاب

در حالی که خشونت علیه زنان به عنوان شرم‌آورترین مورد نقض حقوق بشر یک جرم بین‌المللی به شمار می‌آید. هنوز بسیاری از زنان جهان قربانی آن می‌شوند. درگیری‌ها، جنگ‌ها، تجاوزهای جنسی، آستانه‌های اجباری به منظور پاکسازی نژادی و قومی، برخوردار نبودن از آموزش، تزجیح فرزند پسر بر دختر، خشونت علیه عروسان جوان، ازدواج زودرس و بدتر از همه خشونت‌های فیزیکی، جسمانی، روانی، اجتماعی در نگاه مختلف جهان و... نهادها و ارگان‌های حقوق بشر را نگران کرده است. این در حالی است که مرتکبان این خشونت‌ها از پاسخگوین در امان هستند و هیچ محکمی آنان را به محاکمه نمی‌کشاند.

از سوی دیگر نه تنها این نابرابری از زندگی زنان ما نیز رخت بر بسته است، بلکه آمارها و گزارش‌های تکان دهنده نشان از نقض حقوق آشکار آنان دارد.

کافی است نگاهی بر آمارهای غیررسمی و گزارش‌های رسیده از ایلام و بلوچستان و جنوب و مشرق و... بیندازیم تا ببینیم در مناطق محروم کشور و حتا شهرهای بزرگ چه بر سر زنانی که از کم‌ترین حقوق خود بی‌خبرند می‌آید. زنانی که گرفتار تبعیضات در خانواده، خشونت‌های شوهران و سنت‌های غلط اجتماع می‌شوند.

مرکز مطالعات بین‌المللی برنامه عمران ملل متحد در چارچوب طرح تقویت ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی حقوق بشر اقدام به برپایی کارگاه آموزشی خشونت علیه زنان در چهارم و پنجم تیرماه کرد. هدف از برپایی این کارگاه، بیان مشکلات و ارائه راهکارهایی برای رفع آن‌ها و حضور گفت‌وگو برای جلب توجه آنان به خشونت است که علیه زنان روا داشته می‌شود. اما متأسفانه هیچ قاضی این زحمت را بر خود هموار نکرد تا دو روزی را در مورد مهم‌ترین مسایل زنان کشور با برگزار کنندگان این کارگاه همراه شود. گزارش زیر خلاصه‌ای است از آنچه در این کارگاه مطرح شد.

## گزارشی از

# نخستین

# کارگاه آموزشی

نماینده مقیم برنامه عمران ملل متحد در تهران در پایان سخنان خود، طرح‌های وسیع‌تر برنامه عمران ملل متحد با مرکز مطالعات عالی بین‌المللی در زمینه رفع خشونت علیه زنان، همکاری مشترک برنامه عمران با مرکز امور مشارکت زنان در زمینه تأسیس یک مرکز اطلاعات حقوق زنان، ایجاد یک خط ویژه تلفن برای مشارکت و یاری‌رسانی به زنان قربانی خشونت را از جمله برنامه‌ها و اقدامات آینده ذکر کرد. او همچنین به همکاری مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری با صندوق جمعیت ملل متحد در مورد پژوهش‌هایی در زمینه موارد خشونت‌آمیز علیه زنان در پنج استان و همکاری آن مرکز با صندوق کودکان ملل متحد برای انجام کارگاه‌های آموزشی در زمینه آموزش حقوق انسانی زنان و دختران در سطح استانی و نیز حمایت و پشتیبانی دفتر کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان از طریق برنامه عدالت جنسیتی افغانستان، اشاره کرد.

خانم دکتر مصفا مدیر ملی طرح تقویت ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی حقوق بشر با گله از

هفتم قانون مدنی حقوق و مسئولیت‌های زن و شوهر را در چارچوب خانواده مشخص می‌کند و آن‌ها را مکلف می‌کند از هرگونه عمل خشونت‌آمیز علیه یکدیگر خودداری کنند. افزودن بر این حمایت‌های قانونی، ج.ا.ا. توجه روزافزونی را به مسایل تأثیرگذار بر مقام شخصی و اجتماعی و در بعضی مواقع بقای جسمی زنان می‌درد.

باستلی سپس دو راهکار برای رفع خشونت علیه زنان ارائه داد: ۱. از آنجایی که آمار و اطلاعات با معنی، تفکیک شده و موق در ارتباط با موارد خشونت علیه زنان بسیار کم است، لذا مقامات انتظامی و قوه قضائیه و به‌خصوص دفاتر امور زنان باید در نزدیک‌ترین زمان ممکن پایگاه اطلاعاتی لازم را ایجاد و از آن حمایت کنند. ۲. آگاهی عمومی کافی از این مشکل وجود ندارد. هم مردان و هم زنان باید از هزینه‌های هنگفت شخصی و اجتماعی خشونت علیه زنان آگاه شوند. لازم است که همبستگی‌های اجتماعی و حمایت‌های قانونی برای آن‌هایی که تصمیم به سخن گفتن آزادانه و با صراحت لهجه را در این مورد دارند، تحکیم شوند.



# خشونت علیه زنان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی

حضور نیافتن قضات دادگاه‌های خانواده که از مهم‌ترین مخاطبان این کارگاه بودند، گفت: «متأسفانه با وجود دعوت قبلی، حتی یک نفر از قضات در این مجمع حضور نداشتند»

او رهایی از فقر و ترس را به عنوان دو نگرانی مهم بشر در سال‌های آینده ذکر کرد و با اشاره به سند یکن + (مصوب اجلاس ویژه مجمع عمومی) که در آن موضوع خشونت علیه زنان در لویت قرار گرفته شده است، یادآور شد که سازمان ملل در سال آینده کنفرانسی بین‌المللی را در مورد خرید و فروش و قاچاق زنان (بردگی سفید) برگزار خواهد کرد.

دکتر مصفا در بخش‌هایی صحبت‌هایی خود، ویژگی کار آموزشی را مستمر بودن، در دراز مدت نتیجه دادن، بی سر و صدا بودن و در نهایت تأثیرگذار بودن آن دانست.

تند و برداشته‌های غلطی که در مورد آیه ۳۴ سوره نساء صورت گرفته است اشاره کرد و گفت: «علت بسیاری از خشونت‌ها این بوده که برخی زن را اتیان نمی‌دانستند و او را در ردیف کالاهای قابل تقسیم و ارثی به شمار می‌آوردند. در حالی که باید به نوع انسان توجه کرد که زن و مرد دو نوع از یک جنس هستند»

آیتا... یزدی در توضیح مراحلی که طبق این آیه در زمان نشوز باید طی شود، گفت: «منظور از واضربوهن ضربه به معنای کتک کاری نیست، بلکه به معنای شکستن حریم شخصیت او و رفتار توأم با بی‌احترامی و بی‌اعتنایی است به همین دلیل زدن با چوب مسواک

در اولین جلسه‌ی این کارگاه دکتر صفایی استاد دانشگاه و رییس مؤسسه مطالعات تطبیقی دانشگاه تهران با اشاره به اعتبار بسیاری که اسلام برای زنان قائل است و محکومیت و مذمومیت خشونت علیه زنان از نظر اسلام گفت: «مشکل اصلی ما در امر خشونت مشکل عملی است و نه قانونی، برای حل این مشکل باید راه کارهای عملی ارائه کرد».

آیتا... یزدی، عضو قهای شورای نگهبان در این کارگاه با ذکر این که در اسلام سیره عملیه یکی از ادله است و سیره عامه مسلمین از ادله نیست بلکه سیره کسانی است که موقعیت و مقام و رفتارشان محیط است (مانند پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع))، به تفسیرهای



مطرح شده است و در نهایت اگر این مرحله هم موفقیت‌آمیز نبود دستور قرآن کریم این است که شوهر یا باید زن را درست نگه دارد و یا زهاش کند و طلاقش دهد. او در آخر با اشاره به خشونت‌هایی که علیه زنان به ویژه در جنوب ایران اعمال می‌شود، برای یافتن راه‌حلی برای این مشکل، اظهار امیدواری کرد.

آیت‌الله موسوی بجنوردی مدیر گروه فقه و مبانی اسلام پژوهشکده امام خمینی و استاد دانشگاه نیز گفت: «خشونت یک امر ناپسند است، اسلام آن را نمی‌پذیرد و امضاء نمی‌کند این طور نیست که هر چه در فقه آمده است ملازمتی با دین اسلام داشته باشد و نظر فقها اگر مطابق حکم واقعی باشد درست است.» وی در ادامه افزود: یکی از گرفتاری‌های ما این است که عقل را مدام کنار می‌گذاریم و متأسفانه در حقوق جزا قواعدی داریم که بهای لازم به آن‌ها داده نمی‌شود و در صورت به کار بستن آن قواعد، بازبودن باب توبه و یا گذشت شاکی، مشخص می‌شود که اسلام دنبال کیفر نیست، بلکه در صدد بازداشتن افراد از ارتکاب جرم است.

او در مورد آیه ۲۴ سوره نسا و عبارت واضربوهن گفت: منظور از ضرب در اسلام تمیززات است و در اسلام ضرب انتقالی نداریم و هدف باید تادیب کند و زدن کنایه است و منحصر در ضرب و شتم نیست و «شوز» مطرح شده در صدر آیه، سربچی در هم بستر شدن را معنا می‌دهد نه شوز به معنای اغم کلمه. خشونت نسبت به زنان، ابعاد جهانی و اقدامات بین‌المللی حقوق کیفری بین‌المللی و خشونت نسبت به زنان موضوع مورد بحث دکتر سیدحسین میرمحمد صادقی، استاد دانشگاه و سخنگوی قوه قضائیه در دومین جلسه‌ی این کارگاه بود.

وی به تشریح جنایات و خشونت‌های انجام شده در جنگ‌های یوگسلاوی سابق و رواندا علیه زنان و دختران پرداخت و خاطر نشان کرد که چگونه در این درگیری‌ها و جنگ‌ها از تجاوز جنسی و آبستنی اجباری به عنوان حرب‌های نظام یافته به منظور پاکسازی نژادی و قومی سود می‌جستند و سپس با بیان حقایقی تلخ و تکان دهنده در زمینه‌ی خشونت علیه زنان در درگیری‌ها، جنگ‌ها و موقعیت‌های اضطراری داخلی و بین‌المللی، به تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ در ژنوا اشاره کرد و در مورد اینکه در اساسنامه‌ی تشکیل آن دادگاه، تجاوز جنسی، آبستنی اجباری و بردگی جنسی به منزله جرایم علیه بشریت قلمداد شده است، توضیحاتی داد.

سخنران بعدی خانم دکتر مصفا بود که در مورد اقدامات سازمان ملل در زمینه خشونت نسبت به زنان صحبت کرد. او با تشریح اقدامات بین‌المللی که در

است اما در زمینه ارائه راهکارهای عملی، فعالیت‌های سازمان ملل چندان موفقیت‌آمیز نبوده است.

**پروفسور پانت (pant)**، استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو نیز در زمینه‌ی موضوع «خشونت نسبت به زنان در هند» سخنرانی کرد و توضیح داد که در هندوستان مرگ دختران زیر پنج سال دو برابر پسران است و در مقابل هر ۱۰۰ مرد، ۹۲ زن وجود دارد و ۴۲ درصد دختران هندی در مقابل ۶۲ درصد پسران وارد مدرسه ابتدایی می‌شوند و ۴۰ درصد زنان هندی در مقابل ۶۴ درصد مردان باسواد هستند. او سپس به تشریح تبعیض ساختاری علیه زنان پرداخت مانند ترجیح فرزند پسر بر دختر، تحقیر شدن زنانی که پسر ندارند حتا در بخش‌های تحصیل کرده، فرآیند تبعیض قائل شدن بین دختر و پسر از دوران نوزادی در غذا، درمان، شیر، هزینه تحصیل، خشونت علیه عروسان جوان و حتا قتل آنان به خاطر عدم تأمین هزینه لازم توسط اولیای آن‌ها، و... پروفسور پانت افزود: با روند نوسازی و توسعه، خشونت در هند کاهش نیافته است و با افزایش مشارکت زنان، خشونت علیه آنان نیز بیش‌تر می‌شود. وی در پایان خاطر نشان کرد که در حال حاضر نوعی آگاهی حول محور جنسیتی در جامعه هند در حال شکل گرفتن است.

**ابعاد جهانی خشونت علیه زنان** موضوع سخنرانی شهیندخت مولاوودی کارشناس ارشد مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری بود. وی در ابتدا گفت: «تلقی انسان نبودن زنان و یا حداقل تنزل مقام آنان به «موجوداتی کم‌تر از یک انسان کامل» موجب شده است که همواره از نظر قوانین و در عمل، زنان و دختران از نظر انسانی نادیده گرفته شوند و این امر به نوبه‌ی خود سهم به‌سزایی در رونق و رواج انواع

چارچوب کنفرانس‌های بین‌المللی که تشکیل نهادهای اجرایی، تصویب کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها، ... و صدور قطعنامه و اعلامیه و توصیه‌نامه گفت: «در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ مجمع عمومی به موضوع خشونت علیه زنان توجه نشده است و در حاشیه‌ی دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین (۱۹۹۳) دادگاهی تشکیل شده بود که چهار قاضی زن حضور داشتند و به دعاوی مربوط به خشونت علیه زنان رسیدگی می‌کردند. هم‌چنین سند کینهاک (۱۹۸۰)، سند نایروبی (۱۹۸۵)، کارپایه عمل یکن (۱۹۹۵) و نیز سند کنفرانس یکن (۲۰۰۰) به مسئله خشونت علیه زنان پرداخته‌اند» وی اضافه کرد که از دهه ۸۰ به بعد توجه به معضل خشونت علیه زنان گسترش یافته و در نهایت در سال ۱۹۹۲ کمیته رفع تبعیض علیه زنان (LEDAW) توصیه‌نامه شماره ۱۹ خود را صادر کرده است که طبق آن خشونت علیه زنان، نقض حقوق بشر قلمداد می‌شود و تأکید دارد که در حیطه‌ی محیط خانواده، جامعه و توسط دولت‌ها باید به مسئله خشونت علیه زنان پرداخته شود و نباید این مسئله را محدود به حریم خانه و یک موضوع خصوصی بدانیم. وی افزود: در سال ۱۹۹۳ گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان از سوی کمیسیون حقوق بشر تعیین و منصوب شد و در نهایت نیز در همان سال اعلامیه رفع خشونت علیه زنان توسط مجمع عمومی به تصویب رسید، دکتر مصفا در پایان سخنان خود این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که مشکل سازمان ملل متحد تولید ابزار و سند تعهدآور نیست بلکه مشکل در اجرای اسناد و ضمانت اجرای آن اسناد و مدارک است و به طور کلی سازمان ملل در طول فعالیت خود در تبیین مشکلات و مسایل و ارائه راهکارهای نظری موفق بوده

تبعیض و خشونت و اجحاف و نابرابری در زندگی زنان و دختران سراسر جهان داشته است و از قدیم‌الایام این تصور حاکم بوده است که قربانیان اختصاصی نقض حقوق بشر و نیز مدافعان ویژه حقوق بشر مردانند و تنها هنگامی که زنان گرفتار تضییع حقوقی بشوند که مردان نیز دچار آن می‌شوند فریاد جامعه بین‌المللی برمی‌خیزد و وی در ادامه افزود: «به طور کلی اندیشه پست‌نگری، سنت‌ها و عرف‌های جوامع و الگوهای رفتاری، تعصبات و پیش‌داوری‌ها و نیز منافع اقتصادی و اجتماعی از دیرباز موجب شده‌اند که زنان از دایره‌ی تعریف‌ها و تفسیرهای رایج در زمینه برخورداری از حقوق اساسی انسان‌ها بیرون نهاده شوند. از سوی دیگر تمایز قابل شدن بین حوزه‌های عمومی و خصوصی زندگی، این نتیجه را به همراه داشته است که سوء استفاده‌ها و کج رفتاری‌هایی که در حوزه‌ی عمومی رخ می‌دهد، مشمول حمایت‌های مدافعان حقوق بشر قرار می‌گیرد و در مقابل، بخش اعظم سوء استفاده از زنان و دختران و اعمال انواع تبعیض و خشونت علیه آنان در حوزه خصوصی حتی زمانی که دولت‌ها قوانینی بر علیه چنین رفتاری دارند، نادیده گرفته شده و در پشت پرده‌ی قداست به اصطلاح حریم خصوصی مخفی مانده است.»

مولودری در ادامه گفت:

«نابرابری امروزه نیز که جهان وارد هزاره‌ی جدید میلادی شده است نه تنها خشونت و نابرابری از زندگی زنان رخت برنسته است بلکه گزارش‌های تکان دهنده و آمار و اطلاعات و اخبار و حوادثی که در گوشه و کنار جهان نشان از نقض گسترده‌ی حقوق اساسی بشر و به ویژه زنان در سراسر جهان دارند، آدمی را به این حقیقت تلخ رهنمون می‌کنند که صرفاً اشکال و صور آن اعمال دگرگونی یافته و زنان را با گونه‌های جدید بردگی روبه‌رو کرده است، اما در چند دهه‌ی گذشته جنبشی جهانی برای اعتراض به مفاهیم محدود و تنگ‌نظرانه از حقوق انسانی که زندگی زنان در آن‌ها فرع بر مسایل مربوط به حقوق بشر انگاشته می‌شود، سر برآورده است و تقاضای توجه به حقوق انسانی زنان موجب شده تا موضوعات مرتبط با حقوق بشر به شکل جامع‌تر و به نحو وسیع‌تری مورد بحث و بررسی قرار گیرند و وی ضمن بیان این مسئله که زنان صرفنظر از این که در کجا زندگی می‌کنند و از چه سن و سال و موقعیت و مقامی برخوردارند، در مقابل خشونت آسیب‌پذیرند و این خشونت‌ها مرزهای درآمد، فرهنگ و طبقه اجتماعی را در نور دیده است، گفت: «بسیاری از اشکال خشونت به صورت جهانی و در تمام نقاط دنیا علیه زنان اعمال می‌شود (مانند تجاوز و خشونت‌های خانگی) و از سوی دیگر بسیاری از اشکال دیگر

خشونت نیز وجود دارند که فقط مختص منطقه، کشور یا فرهنگ خاصی است (قتل‌های ناموسی، ختنه دختران، سوزاندن عروس به دلیل عدم تأمین جهیزیه از سوی والدینش و...) به همین دلیل در تدوین راهبردهای مقابله با خشونت علیه زنان نباید سعی شود که با جهانی کردن تجربه زنان در زمینه‌ی خشونت، سایر اشکال آن از نظرها دور بماند. وی در پایان یادآور شد که نگرستن به حقوق زنان از چارچوب و دریچه حقوق انسانی موجب می‌شود که ابزارهای نیرومند و روش‌های جدیدی برای پرداختن به مسایل زنان به وجود آید و فضایی آفریده شود که در آن بتوان امکان تبیین متفاوت از زندگی زنان را به وجود آورد. وی افزود: «این امر اصولی به دست می‌دهد که به وسیله آن می‌توان به نوع دیگری از نگرش‌ها در باره‌ی زندگی زنان و دختران رسید. آینده حقوق بشر برای همگان وابسته به احترام به حقوق انسانی زنان است.»

در دومین روز این کارگاه که به ریاست دکتر آشوری، رئیس مؤسسه چرا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران برگزار شد، خانم دکتر داریاپور استاد دانشگاه شاهد و جامعه‌شناس به عنوان اولین سخنران تعریفی از خشونت داد: «هر نوع سوء استفاده از قدرت یا اعمال فشار از قبیل بدرفتاری، ضرب و جرح و وارد آوردن آسیب‌های جسمانی خشونت است و از نظر حقوقی، اعمال غیرعادلانه و غیرموجه قدرت توأم با صرف انرژی زیاد که جهت تثبیت حاکمیت یک گروه، یک فرد یا یک سازمان به کار برده می‌شود نیز خصومت به حساب می‌آید. وی انواع خشونت را شامل خشونت فیزیکی و جسمانی، روانی (دشنام، تحقیر و سوءظن)، اجتماعی (حتا اگر این خشونت در جامعه باعث شود که زنان نتوانند استعدادهای خود را شکوفا کنند و در روابط اجتماعی آنان ایجاد محدودیت کند) و خشونت اقتصادی (بشرط تاهل برای انجام یک سری فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی و...) برشمرد.

وی سپس به تشریح علل خشونت علیه زنان در ایران پرداخت و این علل را چنین برشمرد: ۱- ساختار پدرسالارانه و مردسالارانه جامعه ۲- وجود سابقه ممتد حکومت‌های استبدادی و فردی ۳- وجود عقاید و سنت‌های غلط قومی و بومی ۴- ناآگاهی زنان و پایین بودن سطح سواد حقوقی آنان ۵- بوروکراسی شدید نظام قضایی و عدم امنیتی که فرد قربانی خشونت احساس می‌کند ۶- ریشه داشتن خشونت در سابقه تنبیه بدنی کودکان (چرخه‌ی خشونت) ۷- تأثیر رسانه‌های جمعی و به ویژه تلویزیون که منجر به موجه جلوه دادن و الگوسازی از شیوه‌های اعمال خشونت می‌شود.»

خانم داریاپور، تمایل به تقلید، عادی‌سازی خشونت

و موجه جلوه دادن آن و احساس بی‌قیدی نسبت به اعمال خشونت را از تأثیرات آتی تلویزیون ذکر کرد و افزود: «افزایش جمعیت، رشد شهرنشینی، انقلاب صنعتی، روند رو به افزایش مهاجرت از روستا به شهر، کاهش ارتباط خانوادگی و فامیلی و رشد روزافزون رسانه‌های جمعی از جمله عواملی است که عموماً از سوی جامعه‌شناسان و مسئله‌پردازان اجتماعی به عنوان دلایل عمده رواج و رشد انحرافات اجتماعی و جرایم در جوامع مطرح می‌شود. در این میان رسانه‌های جمعی و تصویری مانند سینما، ویدئو، ماهواره، CD و بازی‌های کامپیوتری و به ویژه تلویزیون، به دلیل ماهیت فراگیر خود دارای عملکرد پیچیده، چندگانه، متناقض و گاهی مخرب بر ساختار خانواده و به ویژه کودکان و نوجوانان هستند که از آن جمله می‌توان به مواردی همچون الگوپذیری از قهرمانان خشن و منفی فیلم‌های تلویزیونی، ترویج شیوه‌های جدید خشونت، تقلید از شیوه‌های خشونت مشاهده شده، ترس، بدخواهی، اضطراب و کابوس‌های شبانه می‌توان اشاره کرد. وی سپس به بررسی کارکردهای آشکار و پنهان تلویزیون در ترویج خشونت در جامعه با استفاده از شیوه تحلیل محتوای کتی برنامه‌ها و فیلم‌های سیمای ج.ا.ا. پرداخت و گفت: «در سال ۱۷۸۱ کثرت سریال‌های تلویزیونی فیلم‌های سیاه (جنایی و دلهره‌آور پلیسی) بوده که در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ در اروپا پخش می‌شده است و ۴۴٪ درصد فیلم‌های ایام نوروزی نیز اختصاص به فیلم‌هایی با این ویژگی فوق‌الذکر داشته است. محققان معتقدند که این فیلم‌ها جنبه ایدئولوژیکی کم‌تری دارند و باعث می‌شوند که در ذهن نیننده نسبت به جامعه‌اش سوآلی ایجاد نشود.»

سخنران بعدی خانم دکتر نوایی‌نژاد، روانشناس و استاد دانشگاه تربیت معلم بود که وی نیز در مورد آثار روانی خشونت علیه زنان سخنرانی کرد. او گفت: «طبق تعریف سازمان ملل خشونت روانی نیز جزو موارد خشونت علیه زنان است و متأسفانه در جامعه ما کم‌تر به آثار تخریبی خشونت روانی توجه شده است. شناسایی اثرات و پیامدهای یک موضوع، انسانی را به عمق و قبح آن موضوع بیش‌تر راهنمایی می‌کند. خشونت علیه زنان پیامدها و تبعاتی دارد که شامل این موارد می‌شود: ۱- ترس (مهم‌ترین پیامد خشونت علیه زنان که مانع استقلال و پیشرفت زنان می‌شود) ۲- آسیب جسمانی و نقص عضو ۳- اثرات روانی جبران‌ناپذیر از قبیل افسردگی تدریجی یا مزمن، نابسامانی‌های روان‌تنی (به دلیل فشارهای روانی که بروز و ظهورش درد جسمانی است)، نابسامانی‌های اختلال شخصیتی (که قربانی از نظر تصمیم‌گیری فلج

شده و اعتماد به نفس وی به کلی سلب می‌شود) و...  
دکتر نوایی نژاد، بی‌احترامی، استهزاء، تحقیر، مقایسه بی‌مورد، ایجاد حس حسادت و کوچک کردن شخص و خیلی از اوقات به کار نبردن نام زن را از انواع خشونت‌های روانی در جامعه ایران ذکر کرد و یادآور شد خشونت خانگی که توسط عزیزترین عضو خانواده (شوهر، پدر و پسر) اعمال می‌شود ممکن است به واسطه خط‌مشی‌های حکومتی که گاه به شکل حمایتی تبلور پیدا می‌کند، قوت بخشیده شود. این نوع خشونت اشکال گوناگونی دارد و مبتنی بر جنسیت در دوران مختلف زندگی است و شامل تبعیض غذایی قائل شدن نسبت به دختر بچه‌ها، دسترسی نابرابر به خدمات بهداشتی، بدمقراری جسمانی، زنا یا محارم، قطع آلت جنسی دختران (ختنه)، ازدواج زودرس، فروش دختران، تجاوز جنسی در چارچوب ازدواج، بدمقراری‌ها و شکنجه‌های روانی از قبیل تحقیر و... می‌شود.

وی افزود: «طبق نظر محققان، زن خشونت دیده شخصی است که در طول زندگی حداقل دو بار مورد خشونت جسمی یا جنسی و یا روانی قرار گرفته باشد و از نظر روان‌شناسان خشونت روانی درست به اندازه‌ی خشونت جسمانی و یا بیش از آن می‌تواند ویرانگر باشد.» وی ویژگی‌های شخصیتی زنان خشونت دیده را چنین برشمرده: «۱- زنان افسرده و دچار سوءظن، بیش از بقیه زنان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. گروهی دیگر معتقدند که کتک خوردن زن را افسرده می‌کند» ۲- زنانی هستند که از اعتماد به نفس و عزت نفس پایین‌تری برخوردارند و در ایفای نقش مادری و همسری خود را شکست خورده و ناموفق می‌یابند تا حدی که خود را مستوجب خشونت می‌دانند و با گذشت زمان بعدها دست به خرابکاری‌های عظیمی می‌زنند که گاه به تخریب کل خانواده می‌انجامد.» دکتر نوایی نژاد ویژگی‌های مردان خشن را عزت نفس پایین، انکار عمل زشت خود و نسبت دادن آن به عنوان تنها واکنشی که در مقابل رفتار همسرانشان از خود نشان داده‌اند، حس حسادت و احساس شدید مالکیت نسبت به همه چیز، گمراهی آنان به دلیل صمیمیت، سوءظن شدید، متعلق نبودن به طبقه خاصی (هرچند که مردان بی‌کار به مراتب بیش از مردان شاغل دست به خشونت می‌زنند) و سابقه تنبیه بدنی در کودکی و یا دیدن کتک خوردن مادرانشان عنوان کرد.

خانم نوایی نژاد سپس چند نمونه اسطوره‌های

موجود در جامعه ایران را برشمرد از جمله این که، خشونت علیه زنان متعلق به طبقات پایین جامعه است، فراوانی خشونت از نظر آماری پایین و محدود است، زنان کتک خورده و تحقیر شده آزار طلب هستند و اگر بخواهند به راحتی می‌توانند زندگی و محیط خصمانه و خشونت‌آمیز را ترک کنند. وی در پایان نتیجه‌گیری کرد که واقعیات غیر از این است و باید به مرور زمان و با ایجاد حساسیت در جامعه واقعیات‌ها را جای‌گزین اسطوره‌ها کرد.

**آقای دکتر رفیعی‌فر،** کارشناس آموزش بهداشت، معاونت بهداشتی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نیز در مورد **خشونت علیه زنان، اولویتی بهداشتی** سخنرانی کرد. او خشونت علیه زنان را چنین تعریف کرد: «خشونت علیه زنان به معنای هر رفتار خشن وابسته به جنسیتی است که موجب آسیب شود یا با احتمال آسیب جسمی، جنسی یا روانی و یا رنج زنان همراه شود.» وی ادامه داد: «در مصوبه ۴۹/۲۵ سازمان جهانی بهداشت (۱۹۹۶) خشونت به عنوان یکی از اولویت‌های بهداشت همگانی پذیرفته شده و اعضا به پذیرش مسئولیت در قبال خشونت علیه زنان و دختران و تبیین عواقب بهداشتی فرا خوانده شده‌اند. وی اعلام کرد که مرگ حاصل از خشونت علیه زنان در سنین باروری با مرگ ناشی از سرطان برابر بوده و از مرگ ناشی از مالاریا بیش‌تر است و برای درک آمار واقعی خشونت باید به آن سوی آمار مرگ و میر و بیماری‌ها نظری بیفکنیم.

وی افزود که سیستم مراقبت بهداشتی در کنار سایر سیستم‌های قضایی و حمایتی دولتی و غیردولتی نقش مهمی در پیشگیری و درمان خشونت علیه زنان دارد و از آنجائی که جمعیت قابل ملاحظه‌ای در دنیا (بیش از ۲۰ درصد) رنج بسیار و عواقب ناگوار خشونت را تحمل می‌کنند و خشونت علیه زنان تأثیری مستقیم و منفی بر سایر اولویت‌های بهداشتی مهم نظیر سلامت و ایمنی مادران، تنظیم خانواده، پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی و ایذ، بهداشت روانی و اجتماعی دارد و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (کودکان ناظر خشونت علیه مادرانشان، مهاجمان و یا قربانیان آتی خشونت هستند) و خشونت اتکای به نفس زنان را در هم می‌شکند و در نتیجه سلامت خانواده و توسعه جامعه را متزلزل می‌کند و در بسیاری از موارد، مراکز ارائه دهنده‌ی خدمات بهداشتی تنها نقطه تماس زنان قربانی خشونت هستند، لذا لزوم توجه مراقبان

بهداشتی به موضوع خشونت علیه زنان بیش از پیش احساس می‌شود.

وی سپس با بیان این مطلب که خشونت علیه زنان مادام‌العمر است، دلایل امتناع زنان از افشای خشونت علیه خودشان را، احساس شرمندگی و خود را سزاوار سرزنش دانستن، نداشتن پناهگاه، عدم برخورداری از استقامت مالی یا قدرت کسب معاش و بیم از آینده، اعلام کرد و در ادامه، عواقب بهداشتی خشونت علیه زنان را چنین برشمرد:

۱- عواقب جسمانی (قتل، آسیب‌های جدی، آسیب‌های دوران حاملگی بپای مادر و جنین، آسیب‌های کودکان زنان قربانی، حاملگی‌های ناخواسته و زودرس، بیماری‌های مقاربتی و ایذ، آسیب‌پذیری بیش‌تر در برابر سایر بیماری‌ها).

۲- عواقب روانی (خودکشی، بیماری‌های روانی نظیر افسردگی، اضطراب، خستگی مزمن، اشکال در خواب، کابوس‌های شبانه، اعتماد به الکل یا سایر مواد، گوشه‌نشینی و انزوا، تأثیر مشاهده‌ی خشونت بر کودکان).

۳- عواقب اجتماعی (افزایش هزینه مراقبت‌های بهداشتی، کاهش بهره‌وری و قدرت کار، کاهش نیرو و توان توسعه).

دکتر رفیعی‌فر در ادامه وظایف مراقبان بهداشتی را این گونه ذکر کرد:

۱- آموزش همگانی پیشگیری از خشونت علیه زنان  
۲- شناسایی به موقع و صحیح زنان قربانی ۳- ارائه خدمات بهداشتی مورد نیاز به زنان قربانی ۴- ارائه اطلاعات و بسترقراری ارتباطات مناسب با سایر سازمان‌های دولتی و غیردولتی ارائه دهنده خدمات پیگیرانه و کنترلی در زمینه خشونت علیه زنان. وی در پایان به مراقبان بهداشتی توصیه کرد در تنظیم شرح حال مراجعه کنندگان باید به علایم و جراحات و عوارض هشدار دهنده (پرچم‌های سرخ) توجهی جدی داشته باشند و با سؤالاتی که در این رابطه می‌کنند، اطلاعات لازم را به دست آورند. وی مواردی که ممکن است شک برانگیز باشد را چنین عنوان کرد: «شکایت‌های مبهم که علت بالینی خاصی ندارد، شوهری که بسیار مراقب همسرش است، بیان افکار مربوط به خودکشی و تأخیر بین وقوع زمان آسیب و زمان مراجعه و...»



**دکتر شهلا معظمی**، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیز در این کارگاه به معرفی طرح پژوهشی همسرکشی (طرح مؤسسه علوم جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران) پرداخت و گفت: «شدیدترین نوع خشونت، خشونت خونی یا قتل است و از آنجایی که عمل همسرکشی موجبات جریحه‌دار شدن احساسات را فراهم کرده و صدمات جبران‌ناپذیری به فرزندان وارد می‌کند و با توجه به آن که این جرم در سطح کشور فراوانی بسیار زیاد داشته است، مؤسسه علوم جزا و جرم‌شناسی بر بررسی همسرکشی و انگیزه‌های آن در ۱۵ استان کشور را در دستور کار خود قرار داده است. در طرح مصوب اولیه، بخش میدانی تحقیق فقط شامل تهران و چهار استان دیگر بود اما ادامه کار محققان را بر آن داشت تا دامنه‌ی آن را به ۱۵ استان کشور بسط دهند که با تهیه پرسشنامه به زندان‌های آن استان‌ها مراجعه کردند.

وی افزود: «ظاهراً مردان و زنان - طبق یافته‌های این طرح - به طور یکسان از اعمال زور استفاده می‌کنند اما از آنجایی که خصوصی‌ترین مسایل احساسی و عاطفی در این‌گونه جرایم مطرح است، لذا اجرای مجازات یکسان برای این قبیل قتل‌ها صحیح به نظر نمی‌رسد و باید بین انگیزه‌های انسانی که منجر به جرم و جنایت می‌شود و انگیزه‌هایی که منجر به ارتکاب یک بزه معمولی می‌شود تفاوت قائل باشیم.» وی اظهار امیدواری کرد که نتایج حاصله در سیاست‌های تقنینی، قضایی و کیفری کشور به کار گرفته شود.

**دکتر آشوری** نیز در این کارگاه به سخنرانی پرداخت و گفت: «اگر باری که قانون مدنی بردوش مرد گذاشته است، تعدیل نشود، عامل خشونت خواهد بود، وی تأکید کرد: «به جای افراط و تفریط باید به ایجاد تعادل در حقوق و تکالیف خانوادگی اندیشید و این امر می‌طلبد که پس از یک قرن، تجدید نظری در قانون مدنی داشته باشیم چرا که اگر قرار به سوء استفاده از مقررات قانون مدنی باشد، خود به نوعی موجب خشونت در خانواده خواهد بود.»

این کارگاه با تشکیل چهار گروه کاری خشونت و رسانه‌های جمعی، خشونت و سلامت جسمی و روانی زنان، ساز و کارهای حمایتی دولتی و غیردولتی و نهادهای آموزشی و خشونت علیه زنان به کار خود ادامه داد و گزارشگران هر گروه گزارشی ارائه کردند.

آشنایی افراد با حقوق و تکالیف خود، موجب بروز پیش‌تر خشونت و تکالیف زوجین شده است، افزود: ماده‌ی ۱۱۱۵ قانون مدنی که در آن آمده است: «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند...» برای جلوگیری از هرگونه خشونت می‌تواند مؤثر باشد. او ماده‌ی ۱۱۱۶ قانون مدنی را مکمل ماده‌ی ۱۱۱۵ اعلام کرد و گفت: طبق این ماده «... در صورت عدم تراضی طرفین، محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود...» وی سپس یادآوری کرد که قوه قضائیه و مسئولان محترم طبق این ماده موظف هستند مکان‌ها و محل‌هایی را مشخص کنند تا قربانیان خشونت به آنجا پناه ببرند و این مکان‌ها حتماً باید تحت نظارت قوه قضائیه اداره شوند.»

وی سپس به بیان اصلاحات انجام شده در قوانین در سال‌های اخیر پرداخت و به این موارد اشاره کرد: «تصویب قانون راجع به خدمت نیمه‌وقت بانوان، مقررات مربوط به ساعات شیردهی مادران شاغل، قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش، اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی (دادگاه‌های خانواده) و الزام به حضور مشاورین زن در آن دادگاه‌ها، تصویب تأدیه مهریه به نرخ روز، اصلاح ماده‌ی ۱۱۷۳ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و...»

او در پایان به لزوم محو کامل خشونت با بررسی قوانین موجود و تشخیص خلاهای آن و وضع قوانین متناسب و لازم تأکید کرد.

در ادامه **خانم چوبک**، حقوقدان و قاضی بازنشسته دادگستری نیز در مورد **حمایت‌های قانونی از زن در برابر خشونت** به سخنرانی پرداخت و اظهار داشت: «خشونت علیه زنان در انواع مختلف و به صورت گسترده‌ای اعمال می‌شود که می‌تواند جنبه مادی، معنوی، جنسی، جسمی و جنسیتی داشته باشد و متأسفانه مشاهده می‌شود که با وجود پیشرفت‌های بشر در زمینه‌های دانش و تکنولوژی، دامنه خشونت علیه زنان که جنبه تاریخی دارد چنان وسعت گرفته است که نه تنها اندیشمندان و علمای دینی و مسئولان کشورها را به چاره‌اندیشی برای دستیابی به راهکارهایی برای مقابله با آن وادار کرده است، بلکه موضوع از جنبه ملی فراتر رفته و در ابعاد بین‌المللی نیز سعی بر آن است که اقداماتی صورت گیرد که تمامی انواع خشونت‌ها علیه زنان محو شود.» وی در ادامه به بررسی قوانین اساسی و مدنی و کار ج.ا. پرداخت و به اصول و موادی از آن قوانین که جنبه حمایتی دارند و در پیشگیری از وقوع خشونت، جبران آن و تشفی خاطر قربانی مؤثرند اشاره کرد و یادآور شد: «دولت ج.ا. به قراردادهای و مقاله‌های بین‌المللی متعددی پیوسته است که از جمله می‌توان به قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله نسوان کبیره و قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از رفتار جنایت‌آمیز نسبت به زنان و کودکان، اشاره کرد.» خانم چوبک ضمن اشاره به مقدمه، اصول ۱۰، ۲۰ و ۲۱ و فصل سوم (اصول ۱۹ تا ۴۲ تحت عنوان حقوق ملت) قانون اساسی، به بیان حمایت‌های قانونی مقرر در این قانون پرداخت و گفت: «حمایت از زن در قانون اساسی روشن و بارز است.» وی سپس با اشاره به این که عدم